

رفیق گارباچف: زمان کارپر انرژی می طلبد

نوین دکر گونسازی - مرحله کار عملی پرشدت - آغاز شده است. چیزی هم فراتر - کسانی هنوز تصور می کنند در یک میانگین شرکت دارند. پرخی هنوز در حال انتظار پسر میبرند و پرخی دیگر سرگرم کارهای پوچ هستند. اما زمان خواهان اقدامات عملی پر انرژی است. ما اینکه نه تنها پرداشت دکر گونسازی، بلکه بقیه در ص ۸

پیست و سوم سپتا میر رفیق گارباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی، طی دیدار با رهبران رسانه های گروهی، نهادهای ایدئولوژیک و اتحادیه های هنرمندان سخنرانی مسروحتی ایجاد کرد. در زیر بخش هایی از سخنان رفیق گارباچف را می خوانید:

پیش از هر چیز می پردازم به ویژگیهای دوران کنونی دکر گونسازی. باید چکیم که در جامعه ما کم نیستند کسانی که متوجه نشده اند مرحله

نامه مردم

ارکان مرکزی خرب تواده ایران

شماره ۲۲۲ هوره هشتم میل پنجم
سنه شنبه ۱۳۶۷، ۷، ۱۲ بهار ۲۰ ریال

نامه ذیگری از خانواده های زندانیان سیاسی به دبیرکل سازمان ملل متحد

پیاطر اعتقاد اشان شکنجه می دهند، از حداقل جا و هواخور، محروم می کنند، غذای کافی به آنها شنیده اند، از بهداشت اشی نیست و حتی از مطبوعات سانسور شده بی شیر نهاد، اکثر زندانیان را پس از پیاپیان دوره "محکومیت شان آزاد شنی کنند آنهم همه اه باشکنجه و فشار و آزار و اهانت ... چند وقت یکبار ملاقاتها برآی، بدتهای طولانی قطعه می گردد تا خانواده ها و زندانیها در بی شیر، بسی برشد و در این بین اعدامها را بشدت ادامه می دهند تا زندانی همه اه باشانواده در فشار روانی و روحی شدید بی شیری آنهم با اشیار گوشاگون از اعدامها باشند.

جناب دبیر کل!، مخانواده زندانیان زیر فشارهای گوشاگون هر بار بکوچ گشته می اعتراض داشته باشیم با رفتار توهین آمیز موایه شده و لذا با بهانه های، واهی به میان خانواده های معترض هجوم برد و می شود و آثارهای ایجاد رعب و وحشت دستیزی می کنند. حقیقت نوشتن نامه اعتماد این به آن زمان محترم برای ما این نکار این را بوجود می آورد که فرزند اشان تحت فشارها و شکنجه های بیشتر قرار گیرند. لذا تقاضای ما این است که همه بعتر از طرف جنابعالی نمایندگانی فرستاده شوند تا لبق قولانی بینالمللی از بی قابنیها بکاهند و بقیه در ص ۲

اخیر انسخه ای از نامه "جدیدی که ۸۶ نفر از خانواده های زندانیان سیاسی زیر آن را امضا" نکرده اند به دفتر "نامه مردم" رسیده است. متن

مدادهای ۱۴۷۰

دبیر کل مختار سازمان ملل متحد!

ما خانواده های زندانیان سیاسی رزیم چهارم، اسلامی ایران سالهای است دست کمک به سوی آن سازمان دراز کرده ولی تاکنون اش، از رسیدگی در زندانهای، اسلامی شاهده نشده است و کافی سابق شکنجه های، گستجویها و بیماریهای افراد شناسنی، خلاف قانون و ادعاهای، بی رویه" جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد، در این لحظات حساس تاریخ تکوین مه، حال که زحمات فر اوان دبیر کل محترم وتلذل و تکوش آن سازمان باعث اختتام چنین خانه اسوز و برقاری صلح گردیده، چشم امید ما برای چلچله کیمی از قانون شکنی و خودرسیهای مسئولین چهارم، اسلامی در زندانها به شاست.

دبیر کل محترم! طرفداران حقوق بشر سازمان ملل انسان دوستان! اعتراضات و فریادهای مظلومانه" مارا بشنوید که مأموران جمهوری اسلامی یاکترین و شریقترين فرزندان این مرز و بوم را

برای خنثی کردن موج عظیم تبلیغاتی رزیم

در این روزها سران رزیم با ساجت بی سابقه ای، می خواهند ثابت کنند که دودو تا چهار تا نیست. آنان، اصر از دارند تا مردم ایران و جهان این "استدلال" فاقد منطقی را بهبود نهادند. بیامهای متعدد شنیدنی و شنیدنیها، رفسنجانی و خامنه ای و ... پهلو اموں "بپروردی" جمهوری اسلامی در چنگ با عراق انبساطه از این دست شبه استدلالهای است.

می گویند، چنگ "انقلاب اسلامی" را استحکام بخشدید و آن را باصطلاح "بصورت بک انقلاب پویا و الهی در معرض دید چهانیان قرار داد". سیاست ضد انسانی "چنگ، چنگ تا پیروری" را "دفاع از اسلام و باری دین حق در شکل دفاع مساجنه در بر این کفر" می نامند. هدف در همه موارد عبارت است از پرده بوسی جنابهای رزیم حاکم در زمینه، اصر از دادمه "کشتوار و بیرانی" شش سال اخیر و نیز بنهان تناهی اشن عامل عده موثر در استقرار آتش رس، یعنی عامل مبارزه "تدادهاد و رهله" نشست زحمتکشان.

اینکه شنیدنی تحقیق فشار مردم قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را پایه رفت، واقعیتی اتفاق نایاب است. به معنی سبب، مبلغان رزیم دوست نه ارند درباره "عالی شکست های مقتضحانه در قاو و شلمجه و حاجیجه و ... که منجر به کشتار هزاران ایرانی گردید، بخن گویند. آنان هنوز هم می کوشند تا فر پیاشنی تیر و های، مسلح در چبهه های، امتناع جمعی از رفقن به چبهه های بی بازگشت و با فریادهای، "مرگ بر شنیدنی" را که می رفت فرا گیری گردد بعنوان "اسرار نظامی" از مردم پنهان دارند. وظیفه ماست که این حقایق را با بهره گیری از امکانات موجود با مردم در میان پکاریم و بدینسان موج عظیم تبلیغاتی رزیم را نشانی سازیم.

۴ مهر ماه، صدای چمهوری اسلامی در "تفسیر سیاسی روز" بعنایت "هفته دفاع مقدس" از جمله گفت: "انقلاب اسلامی در چنگ خود با استکبار چهانی اکنون به مرحله سرنوشت ساز رسیده است. هر گونه جهت گیری، در شرایط کنونی می تواند شور انقلابی را دام زده با فرو بنشاند که صورت دوم قضیه هر کزبه صلاح نیست."

پاید به منادیان اینتئو نظرات گفت که در جریان مبارزه "طبقاتی مسئله" "صلاح" نمی تواند مطرح گردد. رزیم حامی کلان سرمایه داران بیازار و بقیه در ص ۲

ورشکست اقتصاد کشاورزی

رسکوب و اختناق، بیش از بیش شاهد قدرت نیز، زمین داران پیز رک، قلود های، شانه های شیوخ هستند. این وضع جز ادame و تشیدی پیش از در تولید و منابع ساتکم برو روستاهای از هم باشیدگی اقتصاد روستایی و گسترش محرومیت و تیره روزی، وندار، زحمتکشان در روستاهای شم، بیار نخواهد آورد.

رزیم با اعلام به نامه ریزی، صحیح اقتصادی، واردات فراینده مخصوصات کشاورزی، و مواد بقیه در ص ۲

سامانیم. تبلیغ کشم. تازهان دهیم!

انقلاب (۲)

در ص ۴

ورشکستگی در تولیدات کشاورزی، افزایش در تک نایابی واردات مصروفات کشاورزی، و افزایش در چنگی روشها. واپس مانده "تولید" محرومیت روزانه ای روشها، بهداشت و درمان و راههای ارتقابی، سطح نازل در آمد خانواده های، روستایی زحمتکش و خرد مالک و ادامه "کوچیدن از روستاهای به شهر های بیامدهای زیانهای سیاست و عملکرد ارضی رزیم بیویه در رسالهای اخیر است.

واقعیت آنست که در رسالهای پس از پیروری، انقلاب، در نتیجه شیائیت سران مترجم چمهوری، اسلامی به آماده ای انقلاب، روسنا، آیران نه تنها از علم و سمت و نظام به کشانه رهایی نیافت، بلکه از جهات معینی درجه استشار و غارت روستایان تشدید نیز گردید. هفقاتان همچنان از جمله از داشتن زمین و آب محروم تهدید شدند. در حال حاضر، اساس زمین داران و سر نیزه داران رزیم مداده آنها در روستاهای فرماش و ای می کنند. روستایان محروم از هر گونه آزاد، زیر چتر

پیروزیاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رزیم جمهوری اسلامی!

نامه دیگری از خانواده های . . .

زندانیان بی کنایه که حتی طبق قوانین خود جمهوری اسلامی تبرئه و یا محکومیت شان خاتمه یافته آزاد گردند. آقای دبیر کل ملت! نمی توان با چنین نامه ای در دعا و شکنجه ها و بدین ترتیب خود و فرزندانمان را بازگو کنیم. ما خواهان رسیدگی فوری، آن سازمان نسبت به وضع زندانیان سیاسی ایران و قطعی قوری اعدام های بی رویه و شکنجه ها و برقراری ملاقاتها و لائق رعایت قوانین خود جمهوری اسلامی ایران در مورد زندانیان سیاسی مستیم و آزادی آنها را خواهانیم.

برای ختنی کردن . . .

بزرگ سالکان نمی توانند "شورانقلابی" را در جامعه دامن بزند. توده هادر تجربه روزانه به این نتیجه می رسند که رژیم موجود قادر به ایجاد تحول در چهت منافع خانواده و نیست. بنابراین "صورت دوم قضیه" در چامعه کنونی ایران امری محترم است و رژیم قادر نخواهد بود در دراز مدت مانع تشدید بیماریهای "بلقانی" در عرصه اجتماعی - اقتصادی و سیاسی گردد.

در اعلامیه "کمیته مرکزی حزب توده" ایران به مناسبت چهل و هفتین سالگرد زادروز حزب گفته می شود: "هم اکنون علی رغم آنکه رهبران جمهوری اسلامی پیوسته از تمايل به "صلح پایدار" سخن می گويند، حاضر نیستند از سیاست نظامی تر خود دست بردارند".

اصرار در اعزام مستر چوانان به چبهه ها و صرف بخش مهی از بودجه "کشور برای نتامادری حدود یک میلیون تن نیبروی سلاح از این سیاست نشات می گيرد. باید به پیکار علیه می باست نظامی تری رژیم ادامه داد. باید هدف رژیم از اعزام چوانان به چبهه ها و نیز معاننت از بازار نشست سپاهان و بسیجی ها به شهرها و روستاهارا که جزو هراس و وحشت از صدها هزار انسان خواهان آزادی و صلح، کار و مسکن نیست، فاش ساخت.

حتی اگر آمار رسمی را ملاک قرار دهیم، نرخ رشد پیکاری در کشور ما به ۱۷ درصد بالغ است. افزون بر این سالانه ۶۰۰ هزار تن نیبروی، کار جدید وارد بازار کاری می شود. رژیم که قادر به تامین اشتغال در کشور نیست، در این زمینه ندارد، سعی می کند تا با تمرکز هر چه بیشتر این نیروی عظیم در سپاهانها، آنها را تحت نظرست مستقیم نگاه دارد.

و تلیفه ماست که پیکار در راه بیان دادن به اعزام چوانان به چبهه ها و نیز مسئله باز کردن اندن سپاهان و بسیجی ها از چبهه ها را به شعار روز در جامعه تبدیل کنیم. مادران و همسران که تجربه "وحشتزای" کشتار جمعی عزیزان و ننان آوران خود را پشت سر دارند، در صورت هدایت و راهنمایی حساب شده و دقیق می توانند نقش موثری در این مورد مشخص ایفا کنند.

بالاخره وظیفه ماست که پیکار در راه یکی از حیاتی ترین مسائل روز، یعنی اتحاد نیروهار ایسا بشنکار بیشتری ادامه دهیم. بدون تشکیل جبهه،

ورشكست اقتصاد . . .

غذایی بحساب فروش نفت، و هیچینین عدم اجرای اصلاحات ارضی و آبی بینایی، بسود دهقانان بی زمین و کم زمین، اقتصاد کشاورزی، کشاورزی به ورلد باران زرف و ورثکشی تنشانه است. آمار و ارقام موجود بر این واقعیت میر تائید می زند. ارزش افزوده بخش کشاورزی، از ۴۲۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۱ (به قیمت ثابت) به ۴۲۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۲ کاهش یافت. ولی وزیر کشاورزی، ارزش افزوده بخش کشاورزی، را که در سال ۶۵ به میزان ۵۶۵ میلیارد ریال بود، در سال ۶۶ میلیارد ریال اعلام داشت (الملعات ۱۳۶۷/۵/۲). البته این آمار، یک آمار تاذی است نه واقعی و ثابت است ۲۲ میلیارد ریال کاهش نسبت به سال ۶۵. این آمار نه بر پایه قیمت ثابت، بلکه بر پایه "قیمت چاری، و بدین پحساب آوردن نرخ تورم افسار کشیده محسوبه گردیده است. هیچینین بر پایه "آمار موجود، در سال ۶۲ سطح کشت در مقایسه با سال ۶۱ بشرح زیر کاهش یافت؛ کندم ۱۲ درصد، برنج ۲۴/۵ درصد، چوب ۵/۵ درصد، چغندر ۱۵/۵ درصد، توپون ۱۶ درصد، پیاز ۲۲ درصد.

شیوه "تولید کشاورزی" در جمهوری، اسلامی بشدت و ایس مانده است و از دستاوردهای علم و فن معاصر و سایر پیشرفت "تولید اساسا بهره برداری، شی شود. فاضل هندی، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس در این باره می گوید: "وضعی که ما الان از نظر کشاورزی، داریم قابل تحمل نیست. کشاورزی ما تقریباً شنی است، آنهم شنی هزار سال قبل" ای ای، در ۱۳۶۱/۲ هزار تن به آرزوی پیدا کرده و عدد شاخنی آن در مرود جهان از ۱۰۰ در سال پایه (۵۴) به ۲۹۸ افزایش به ۲۵۵ در سال ۱۳۶۲ رسیده است.

واردات گوشت قرمز نیز تنها در فاصله سالهای ۶۴-۱۳۵۴-۱۳۶۴ از ۷۶ هزار تن در سال ۵۶ به رقمی نزدیک به ۲۰۰ هزار تن در سال ۶۴ رسیده است. رایطه بین واردات و تولیدات گوشت قرمز همراه از نیواده و رشد واردات ۱۰۷ درصد بیشتر از رشد تولیدات در دهه سال اخیر بوده است.

همچنین بر پایه "حداقل نیاز جمعیت بینجاه میلیونی" به صرف پیروتین چیوانی بر طبق استاندارد جهانی، ۲۲/۲ کرم یاری گرد و پیشینه در روز، نیاز گوشتی کشور برای تامین این جمعیت بالغ بر ۲۸۲۲ هزار تن از انواع گوشت خواهد بود و با توجه به آن که حد اکثر نتوان تولید گوشت کشور ۱۵ هزار تن است، کمیودی معادل ۱۷۸۳ هزار تن گوشت رادر شرایط فعایت نشان می دهد.

در پایان باید شامل نشان ساخت، از آذجایشکه در سالهای بعد از انقلاب برای حل

همه ترین مشکلات و نیازهای ارتباطی کشاورزی و

زندگی کشاورزی مهیج کام اساسی برداشته نشده است، بجز این موجب دامن تیراق اقتصاد کشاورزی،

کشاورزی پیش از پیش ژرفش یافته و در صورتیکه در بر

همین پایانه بجز نمایند، همچنان ژرفش خواهد یافت.

پیشنهادی که "مشکلات غیر قابل حلی برای کشاور

بیرون خواهد آمد. به تحریک که تا سال ۱۳۷۵ فقط

معادل ۲۲ میلیارد دلار به قیمتی، سال ۶۲، ارز

اشایی جهت تامین مایحتاج غذایی، مورد نیاز

خواهد بود که این رقم معادل متوسط ۲/۲ میلیارد

دلار در سال عللاوه بر واردات فعلی است و قطعاً

توان هر گونه سرمایه گذاری، جدید در بخش

کشاورزی، را از کشاورزی سلب خواهد کرد" (اطلاعات

دانایی، برخلاف کشاورهای پیشرفت "صنعتی بمعنای

کشاورزی، بدون برنامه ریزی کوتاه مدت و دراز

مدت، بدون حل اساسی مشکلات کشاورزی همانند

زمین و آب و بذر و کود، بدون حمایت همه جانبه،

مادی و معنوی دولتی امکان پذیر نیست.

واحد نیروهای انقلابی و دمک اتیک، امکان پیروزی بر دشمن واحد ناممکن است.

آزادی برای زندانیان سیاسی ایران!

جلوه هایی از تشدید سیاست ترو رواختناق رژیم

تشدید آزار و اذیت و شکنجه^{*} جسمی و روحی آنها می پردازند. آنها را وحشیانه کنک می زنند و به باد شلچ می گیرند. نگاز اشک آور در سلوهایشان می اندازند. رو، بیکر شکنجه دیده و زخم آکین عده ای از زندانیان نیز کردند^{**}. می پاشند که اثرات ناشی از این گرد مشخص نیست. شدت شکنجه به حدی بوده است که ناخن های اکثر زندانیان تحت شکنجه سیاه می شود، دونفر چارپارگی لبال و پیشه می شوند، سر یکی از زندانیان می شنند، چشم زندانی دیگر در اثر ضربه^{*} مشت دریده می شود.

تشدید شکنجه از یک سو و بدتر شدن وضعه[†] (دادن یک وعده غذا در روز) از سوی دینتر، بیویه^{*} سلامت این گروه از زندانیان سیاسی را در معرض خطر جدی، قرار داده است. سر و روی، و گاهرا زندانیان چنان در هم شکسته و گویای، اعمال خشونت غیر انسانی زندانیان بود که مادران و همسران پس از ملاقات از شدت ناراحتی دچار حمله "اعصبی شده" و حالان بهم خورده بود و آشکارا با صدای بالند به زندانیان لعنت و نفرین می فرمادند.

خانواده های زندانیان سیاسی، در مردم اجده به مقامات دادستانی تهران با این پایخ بی شرمانه روبرو می شوند: "ماموران مأجومهای شارا کنک نزد اند. آنها خودشان در میان انتقال با یکدیگر در گیر می شوند و همیت بر از شمشی می کنند".

* از زمان قله، ملاقاتهای خانواده های زندانیان تشویش، اثنا کمی بسیار بند. روزهای خانواده های در تئاتر ای راهی زندان می شوند و باز بی دیداری، با عزیزان، تم امتن از بیش باز می گردند. در ساعتهای انتقال در بیش در زندان تنها تناهی های مضطرب است که با پادشاه سخن می گویند. لیهایا وحشت از هم باز می شود... هیچ کس خبر درستی از درون زندانها ندارد. فقط می دانند که پیش از اجراء، حکم اعدام، احتمالا زندانی به خانه زنک می زند. تلفن های خانواده های زندانیان سیاسی با هر یک وحشت مرگ را به همراه می آورد.

* در شرداد ماه خانواده های زندانیان سیاسی برای دیدار با منظری و پر در شکایت با اتوبوس از تهران بطرف قم حرکت می کنند. در بین راه، ماموران سیاه اتوبوس را متوقف می سازند و از تک تک خانواده های بازجویی پعمل می آورند. ماموران سیاه می گویند: "چه کسی شما را تحریریک و سازمانده می کرده است؟" خانواده های پایخ می گویند که ما سازمانده نداریم و هیچ کس هم مارا تحریریک نکرده است. فرزند اشان در زندانها، شاد از اند از گرفتگی و شکنجه می بندند و شماتوجهی به، خشن اند. ارید. همین عامل ماراتمه بک و سازمانه هی کرده و می خواهیم بر این نتایج ای اشان اغتراف و شکایت کنیم، به هر جایی که ممکن است و شاهزادگار، که می امیدیم باشند.

*

میهن ما - کاهان پایع انقلاب بیون ۵۷ - آغازته است، گفت که آتش زندگانست شنودمانه. ممکن است که این از اسب افتاده ای بتواند این اثر ای اسقاطه ها و جبله و رزی های چندی، نه شود را برس زین تهدارند و تناهی به سوار. گزند، اما عده ای ریاکاری ها کوتاه است.

در ماههای کلته، رژیم برای، مهار چنیش توده های مردم، سیاست ترور و اشتبان خود را به اشکال گوناگون خواه در درون جامعه و خواه در درون زندانها تشید کرده است. اخبار دریافتی پیر اکنده^{*} زیر چاوه هایی از این تشدید سیاست ترور و اشتبان رژیم است:

* موج دستبرداری و بازداشت و تیر و ببند فعالان سیاسی بالا گرفته است. در مواردی نه اندک حتی کسانی را که پیش از این، مدتی در بازداشت پسر پرده اند نیز دگرباره و بدون دلیل بازداشت کرده اند.

* "ستادهای امنیت" رژیم در شهرهای گوناگون با برگزاری جلسات فوق العاده، برای تشدید کنترل امور زندگی مردم، بست آوردن سرخ از فعالیت نیروهای اقلایی تدبیه[‡]، را انتشار کرده اند.

* اخیرا رژیم به سکم ارگانهای اسلامی خود، زندانیان آزاد شده اند، را که متعهد شده اند هر ماه خود را معروفی کنند، رسم امورهای بازجویی قرار می دهد. مراجعت کنندگان، در بازجویی باید به پوشش های از جمله درباره "سرنوشت چنگ" و پنهان اقتصادی، وضعیت اهالیها... پایخ بدهند.

* در اوایل اردیبهشت ماه، ماموران دادستانی ضمن هجوم به فروش اهالی، کاغذ و پودر ماشین های رژیم ایکس، از فرشندگان خواسته بودند که بنویند: مواد ماشین های رژیم را چنگیزی تدبیه[‡] می کنند. پیش از جمایع و پیش از این مرتضی میرزا شهادت دارد که چند شهادتگر شدگان پیشانی چلوه می کنند از تعداد کنندگان چنگ است. چرا رژیم جرات نمی کند که آمار این را اعلام دارد؟

مردم میهن مایه شوبی می دانند، سران مردم چ. ۱. که در دروغتوضی و فربیکاری، شهره "آفاقند، برای، ناجیز نشان دادن خسارتهای جانی ناشی از چنگ" به چنین ترقیهای دست می زندند. چندی پیش در یکی از جلسات مجلس، از فرشندگان را کربی (نماینده^{*} - باقی) آمار کنندگان را حدود ۷۰۰ هزار نفر به آورد کرد، رفیضیانی چنگ برآنفت و در پایخ وی، رقمی حدود ۷ هزار نفر را صحیح دانست. روش بود ته فواد کبیم آمار دقیقی در دست نداشت، اما با جمیع بست داشته ای، بخود و دین از رقم بیاد شده را، که دور از واقعیت نبود، حدیم می زد. اما هاشی رفیضیانی با یاهشین آوردن آمار اعلام شده توسط فواد کبیم به مقایسه یک دهم در را واقعه ترس خود را از بیان واقعیت نشان داد. اثیون نیز چنین وضعی است. رژیم از اعلام آمار صحیح کنندگان را در چهارمین جنت بشدت هراسناک است، زیرا بدینسان بر جنابتها، خود صحیح می کلارد.

حاصل این همه خوشنویسی چه بود؟ چنگی که پس از باز پس گرفتن خوشبزی و دیگر مبالغه اشغالی

و صفت دفاعی خود را از داد چه دستاورده^{*} داشت؟ هیچ ائم ته تنها هیچ دست از دستاورده^{*} نداشت بلکه

زیانهای عظیم جانی و مالی را در پرداخت.

چ. ۱. به هدفهای توسعه طبیعته "خود دست نیافت.

خود رفیضیانی اعتراض می کند که "مادر و سیاستی شعارهایی طرح کردیم که اسقاط نظام صدام بود،

محاجمه" صدام بود و که قتل حقوق خودمان بود که

فکر می کردیم در اثر فشار نظامی آنها را می کردیم، ما به آن مدفنان فرستیده ایم". آری، رژیم به

مدفهایش دست نیافت، اما دود عملکرد های جنابتها اش به چشم مردم ایران رفت. حتی

امکان باز پس گرفتن پیشی از حقوق از دست رفته

مردم میهن ما، در سال ۱۴، بوسیله "شیخی و پیروان

جنابتها کشش به باد فنا رفت.

در این میان سران ای ا. که در پرروشی دست

متایان خود را از بسته اند از اسب افتاده اند، اما حاضر نیستند از زین بیاده شوند.

آمار کشته شدگان به مقیاس چند دهم؟

خاتمی، وزیر ارشاد اسلامی، آمار کشته شدگان چندی را، اعم از از ارشاد و سیاهی و بیسیاهی، ۱۲۲۲ تن، کنندگان چندی شهرهار ۱۱ هزار مفقود از اشترها را حدود ۶ هزار نفر اعلام کرد. در این آمار از رقم زخمی ها و معاولین خبری نیست.

لعلی است که این ارقام دور از واقعیت، پنهان موصص در مورد کنندگان چبهه های چندی، واکنش تصریح آمیزی، رادر جامعه و جهان بر اثیزد.

شاید اکر رژیم اعلام می کرد که ملاطفه از تهران و اطراف آن بیش از ۱۰۰ هزار نفر قربانی چندی

شده اند آمار، قابل قبول بود، اما هرای همه ایران، رقم اعلام شده در صدد کمی از رقم واقعی است.

امروزه از نزدیکی به این روزتایی کشور

کمتر روشنی بافت می شود که چند نفر شهید نداده باشد، شهاده های چای خوددارد شاید تعداد کوچه های

ذیابانی هایی که بنام "شهاد" نامداری شده اند س به صدها هزار بزندند. علاوه بر اینها رقم معاولین و زخمی های چندی، چندی، که قربانیان زندگانی را انتشار کرده اند.

* اخیرا رژیم به سکم ارگانهای اسلامی خود، زندانیان آزاد شده اند، را که متعهد شده اند هر ماه خود را معروفی کنند، رسم امورهای بازجویی قرار می دهد. مراجعت کنندگان، در بازجویی باید به پوشش های از جمله درباره "سرنوشت چنگ" و پنهان اقتصادی، وضعیت اهالیها... پایخ بدهند.

* در اوایل اردیبهشت ماه، از جمایع و پیش از این مرتضی میرزا شهادت دارد که چند شهادتگر شدگان

چنگیزی های چندی را از جمایع و پیش از این مرتضی میرزا شهادت دارد، چرا رژیم جرات نمی کند که آمار این را اعلام دارد؟

مردم میهن مایه شوبی می دانند، سران مردم چ. ۱. که در دروغتوضی و فربیکاری، شهره "آفاقند،

برای، ناجیز نشان دادن خسارتهای جانی ناشی از چنگ" به چنین ترقیهای دست می زندند. چندی

پیش در یکی از جلسات مجلس، از فرشندگان را کربی (نماینده^{*} - باقی) آمار کنندگان را حدود ۷۰۰ هزار نفر به آورد کرد، رفیضیانی چنگ

برآنفت و در پایخ وی، رقمی حدود ۷ هزار نفر را صحیح دانست. روش بود ته فواد کبیم آمار دقیقی در دست نداشت، اما با جمیع بست داشته ای، بخود و دین از رقم بیاد شده را، که دور از واقعیت نبود، حدیم می زد. اما هاشی رفیضیانی با یاهشین آوردن آمار اعلام شده توسط فواد کبیم به مقایسه یک دهم در را واقعه ترس خود را از بیان واقعیت نشان داد. اثیون نیز چنین وضعی است. رژیم از اعلام نبود و دین از رقم بیاد شده را، که دور از واقعیت نبود، حدیم می زد. اما هاشی رفیضیانی با یاهشین آوردن آمار صحیح کنندگان را در چهارمین جنت بشدت هراسناک است، زیرا بدینسان بر جنابتها، خود صحیح می کلارد.

حاصل این همه خوشنویسی چه بود؟ چنگی که پس از باز پس گرفتن خوشبزی و دیگر مبالغه اشغالی

و صفت دفاعی خود را از داد چه دستاورده^{*} داشت؟ هیچ ائم ته تنها هیچ دست از دستاورده^{*} نداشت بلکه

زیانهای عظیم جانی و مالی را در پرداخت.

چ. ۱. به هدفهای توسعه طبیعته "خود دست نیافت.

خود رفیضیانی اعتراض می کند که "مادر و سیاستی شعارهایی طرح کردیم که اسقاط نظام صدام بود،

محاجمه" صدام بود و که قتل حقوق خودمان بود که

فکر می کردیم در اثر فشار نظامی آنها را می کردیم، ما به آن مدفنان فرستیده ایم". آری، رژیم به

مدفهایش دست نیافت، اما دود عملکرد های جنابتها اش به چشم مردم ایران رفت. حتی

امکان باز پس گرفتن پیشی از حقوق از دست رفته

مردم میهن ما، در سال ۱۴، بوسیله "شیخی و پیروان

جنابتها کشش به باد فنا رفت.

سیاستیم، تبلیغ کنیم، سازمان دهیم!

انقلاب (۴)

وضع انقلابی

بعض در "تحلیلهای علمی" پاره‌ای از سازمانها مسئله رشد سرمایه‌داری و تضاد میان کار و سرمایه مطرح می‌شود و تحاکیل اران اختلاف میان نیروهای مولده و مناسبات تولیدی کهنه شده را برای انقلاب کافی می‌دانند. حاملان اینکو نظرات معتقد به مراحل مختلف انقلاب نیستند و انقلاب اجتماعی به معنی انقلاب سوسیالیستی با هژمونی طبقه کارگر را موضوعی حاد و در دستور روز می‌خواهند.

در این پاره چه می‌توان گفت؟ اولاً، وجود اختلاف میان نیروهای مولده و مناسبات تولیدی، برای انجام انقلاب لازم هست، اما کافی نیست. ثانیاً، انقلاب اجتماعی در دوران ما می‌تواند در مواردی حتی باید از مرحل معینی بگذرد.

لنین می‌گفت، انقلاب وقتی می‌تواند انجام گیرد که شرایط لازم عینی و عوامل ذهنی آن بوجود آید. شرایط عینی انقلاب خارج از اراده، شخصیت‌ها احزاب و سازمانها بوجود می‌آید. جمجمه، شرایط عینی که با وجود آنها تحقق انقلاب امکان دارد وضع انقلابی نامیده می‌شود.

و. ای. لنین در اثر جاودان خود "بیماری، کودکی "جب کر ای" در کونیسم" نوشت: "... قانون اساسی انقلاب که تمام انقلابها و از جمله هر سه انقلاب روسیه در طول قرن بیست مدت آن را تائید کرده‌اند، نکات زیرین را در بر دارد: برای انجام انقلاب کافی نیست که توده‌های استثمار شونده و ستمزده به عدم امکان ادامه زندگی به شیوه "کهنه پی برده خواستار دکتر کونی آن باشند. برای انجام انقلاب لازم است که استثمارگران نیز نتوانند به شیوه "سابق زندگی و حکومت کنند. انقلاب فقط زمانی می‌تواند پیروز گردد که "پائینی‌ها" ادامه زندگی به شیوه "کهنه رانی خواهند و بالایی‌ها" ادامه حکومت به شیوه "کهنه رانی" نتوانند. این حقیقت را بصورت دیگر می‌توان چنین بیان داشت: انجام انقلاب بدون بروز بحران همه گیر در سراسر کشور (یعنی بحرانی که هم استثمارشونده‌گان و هم استثمارگران را در بر گیرد) امکان پذیر نیست". (۸)

این اصل لنینی امروز نیز بقوت خود باقی است. البته رویدادهای مهم تاریخی سده "حاضر سائل جدیدی را در قوام بافت و وضع انقلابی وارد کرده که از آنجله است مسئله" تناسب نیروها در عرصه "جهانی وغیره. فرارسیدن وضع انقلابی می‌تواند علل گوناگون داشته باشد که هم بحرانی اقتصادی، هم ورشکستگی سیاست دولت (متلاشکت ماجرا جویی نظامی) و نیز اختلافها و درگیریهای ملی که موجب تشدید تضادهای اجتماعی می‌شوند... می‌توانند باشند.

فقر و فلاکت و بدیختی و بی خانمانی توده‌ها و تشدید آنها نیز که از ویژگیهای جوامعی مثل ایران است، از جمله مشخصات وضع انقلابی بشمار می‌روند.

وضع انقلابی فقط برای انجام تحول سوسیالیستی ضروری نیست، بلکه چنین "قانون هسته‌ای تاریخی دارد و شامل همه" انقلابهای است. اگر شرایط عینی لازم وجود نداشته باشد، هیچ حزب و سازمانی نیز نتواند انقلاب کند و همه "تلشاهی آنها به درخواهد رفت.

بدیهی است که هر وضع انقلابی هم جتنا منجر به انقلاب نمی‌شود. و. ای. لنین در مقاله "شکست انتربالیونال دوم" نوشت: "... برای یک مارکسیست هیچ شکی وجود ندارد که انقلاب بدون وجود وضع انقلابی ممکن نیست و تازه هر وضع انقلابی نیز به انقلاب نمی‌انجامد". (۹)

از زون پر شرایط عینی انقلاب، عامل ذهنی هم لازم و ضرور است. به

برقرار با اتحاد همه مبارزان راه صلح، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

این گفته "لنین را باید همیشه در نظر داشت که مفهوم "انقلاب هم ملت" باید یک مارکسیست را به ضرورت تحلیل دقیق منافع گوناگون طبقات گوناگونی که بر سر چند هدف مشترک مشخص و محدود با هم توافق دارند، رهمنو باشد. نیازی به تذکر نیست که چنین مفهومی به هیچ وجه به معنی نادیده انکاشتن اهمیت بررسی مبارزه، طبقاتی در جریان این یا آن انقلاب نبوده و نیست. در عین حال باید در نظر داشت که هموزنده با پیش‌رفت انقلاب بقیده در صفحه ۵

و از بیز سود تعاوینی بحساب جبهه

سود سهام تعاوینی تا کسیر اثاثان پلاک قرمز را
که دهها هزار عضو دارد، بدون اطلاع اعضا
بحساب جبهه واریز کردند. پس از اعتراضات
مکرر رانندگان تاکسی، در تابلوی اعلانات
تعاونی، اطلاع‌اعیه‌ای نصب شد مبنی بر اینکه هر
کس مایل نیست سهم سودش برای جبهه واریز
کردد، مراجعته کند و سود سهام خود را پس بکیرد.
رانندگان تاکسی نیز که می‌دانستند غرض از
صدور این اطلاع‌اعیه، شناسایی رانندگان مخالف
جنگ و رژیم است، به مسئولان ذیربیط مراجعت
نکردند.

پس از شکست قاو

پس از شکست "قاو" در یکی از قستهای
کارخانه "بالندگی" (مقدم) - که ۱۸ نفر کارگر
دارد، فرم ازام به جبهه پخش شد. کارگران تمام
فرمها را پاره کردند و بدور اندختند. کارگران
رسابه مدیران می‌گفتند که مابه جبهه نمی‌رویم. در
قستهای دیگر نیز نظیر چنین صحنه‌هایی اتفاق
افتد.

در "سیمان آبهک"

در کارخانه "سیمان آبهک" کارت ۲۵ نفر از
تکنسینها و کارمندان را که فرم ازام به جبهه را بر
نکرده بودند برداشتند و گفتند: "تسویه حساب بعد
از برگشتن از جبهه".

* در پی اعلام طرح جدید توپه‌بندی جبهه
تبیلگات و سیعی بخصوص در روستاهای اردبیل
می‌زنند. مزدوران رژیم هر روز به روستاهامی رفتند
تا مردم را برای ثبت نام تشویق کنند و در این راه
از هر سهله‌ای سود می‌جستند، ولی با عدم حبابت
اهالی روستا روپرتو می‌شدند. مزدوران به هر
روستایی که می‌رفتند باید اعتمادی و موج ناخشنودی
مردم برخورد می‌کردند. مثلاً در یک روستا با دو
هزار نفر جمعیت تنها ۷ نفر ثبت نام کردند.

* روستای توتونسوز از توابع منطقه "بولادلو" اردبیل، تابحال حتی یک نفر را هم برای
سرپارزی، نفرستاده است. در فروردین ماه، رئیس
پاستا خصوصی از سرپارزگیری به این روستا می‌رود.
اهالی روستا به محض اطلاع مده به کوه می‌زنند. از
اینرو، رئیس پاستا دست از پا درازت، راهی
پاستاه می‌شود، ولی درین راه برای مردم آزاری
یقیناً چند قلن از بیرون مردم را می‌گیرد و از آنها کارت
پایان خدمت می‌خواهد.

مگر خدا...

پس از شکست "قاو" و "شامجه" و ... موج
تاراضیاتی و پدیده این تفکر که جنگ با پیروزی
نظمی تمام نمی‌شود بیشتر با لامی گیرد و سهل استغفار
نامه است که س از بیرون می‌شود. در جلسه‌ای با شکست
مسئولان سیاه دریکی از شهدا، مسئول سیاه که فردی
فوق العاده قشری و متعصب و معتقد به رژیم بود،
می‌گوید: "دیگر از دست پنده خدا کاری ساخته
نمی‌شود، مگر خدا خودش کاری انجام دهد و ما را
نجات دهد".



سیاسی و عقیدتی توده‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. و. ای. لنین وحدت شرایع اعینی
و عنصر ذهنی را قانون اساسی هرگونه انقلاب نامیده است. عدم مراعات این
اصل لنینی می‌تواند به ماجر اجویی در سیاست منجر گردد.

منابع

- ۱- همانجا، ص ۱۱۲
- ۲- همانجا، ص ۹۷
- ۳- و. ای. لنین، مجموعه "آثار"، جلد ۱۶، ص ۲۱۷-۲۱۹
- ۴- همانجا، جلد ۱۱، ص ۱۰۳
- ۵- مراجعه شود به مارکس، انتلیس، لنین...، ص ۵۹
- ۶- همانجا، ص ۸۸

پیش از پذیرش قطع‌عنایهٔ رژیم سوی رژیم

در روستاهای کشور

* چند ماه پیش از پذیرش قطعنایه ۱۵۹۸ از سوی رژیم، سیاه کمیشان (ترکمن صحرا) ضمن ارسال
دعوت‌نامه به اهالی یک روستا بنام آفریلی از توابع
کمیشان با تعبیین تاریخ آنها را به مسجد روستاد عوت
می‌کنند. در مسجد، سیاه از اهالی می‌خواهد که مهالی
کمر شکنی را چهت کنک به جبهه در اختیارش
پنداشته باشد. اهالی ده که پیشتر در آمد ناشایز آنها
صرف تهیه می‌شود، ازدادن پول خودداری می‌کنند. در واقعه به
جز عدهٔ معدودی، که می‌ترسیدند شغلشان را از دست
بدهند و در عین حال دستشان به دهانشان می‌رسید،
باقیه اهالی هیچ نوع کسکی نمی‌کنند. حتی یکی از
چوانان که شکنی و پنداشته به برشورت نهادید آمیزیک پاسدار
با اهالی روستا اعتراض می‌کند، مورد پاچخواست
قرار می‌گیرد و پاسدار از او می‌خواهد که فردا
خودش را به سیاه معقولی کند و چوان که دیلهلمه
بیکار بوده در جواب می‌گوید که من به اختیار خودم
به سیاه نمی‌آمیزم. اگر مرا می‌خواهید، پیشید و
خودتان دستگیر کنید و به برد تا همه بهانند. در این
میان پیشتر از همین ده هم که وضع را وحیم می‌پیند، از
چیز ۱۰۰ تومان بیرون آورده به پاسدار می‌دهد،
ولی پاسدار با پرخاش پول را برخert می‌کند و به او
می‌گوید که باید خودش را به سیاه معروفی کند.

* در یکی از شبههای اوایل تیر ماه، مزدوران رژیم، به روستای "چارباره" از توابع خرم آباد
می‌ریزند و برای رسیدن فرزندان روستاییان به
خانه‌ها هجوم می‌برند. مردم را سیمه از خانه‌ها
پیرون می‌آیند و به اعتراض علیه مزدوران رژیم
می‌برد ازند. آنها نیز اقدام به تیراندازی می‌کنند
که بر اثر تیر اندازی یکی از روستاییان بنام "آیت
کودرزی" که عضو شورای ده هم بوده است، کشته
می‌شود. ماموران پدرنامبرده رانیز با خود به کیته
می‌برند و مدت یک هفته او را نگه دارند. هنوز
او اوضاع روستا حالت عادی خود را بازیافت
است.

* در روستاهای آذربایجان، پاسداران
جوانان را دستگیر و با مینی‌بوس راهی پادگانها
برای ازام به جبهه می‌سازند. این اقدام پاسداران
موجی از خشم و اعتراض روستاییان را بر اکیخته
است. مقاومت بوبیره در روستای "بکان" مرند
بسیار چشمگیر بود.

بیاموزیم، تبلیغ کنیم از سامان ذاتیم! انقلاب (ادامه)

منابع میان طبقات تغییر می‌کند. پسته، و. ای. لنین، هر پیشرفت واقعی
انقلاب معنایش چنین است: روی آور، توده‌های گستره‌تر به چنین و
بالنتیجه حصول آگاهی بیشتر به منافع طبقاتی و بنابراین آشکار شدن بیشتر
مواضع گروه‌بندی‌های سیاسی و حزبی و هویدا شدن دقیق تر سیما، طبقاتی احزاب
گوناگون و بدبختان تغییر بیش از پیش خواسته‌های سیاسی و اقتصادی کلی و
تجربی که به سبب همین تجربی بودن مبهم و تاریک مانده بودند و تبدیل
آنها به خواسته‌های گوناگون مشخص و دقیق طبقات گوناگون.
بدیهی است که نقش توده‌های مردم را بنا بر طور مجرد و انتزاعی، جدا
از طبقات و احزابی که در رأس آنها قرار می‌گیرند، بررسی کرد. مسئله "رهبری

شهریار درگذشت

محمد حسین شهریار، شاعر نامدار ایران درس هشتاد و سالستی چشم از جهان فروپشت. «جامعه» ادبی ایران با مرک شهریار یکی از چند های برجسته خود را از دست داد. شهریار بوبیره در زمینه «شعر سنتی ایران از ذوقی سشار برخوردار بود و آثار که اینهاشی از خود بیانگار نهاد، ویژگی اودر شعر سنتی زبان ساده و بی پیرایه و در عین حال حکم او بود. وی در زمینه «شعر امروز نیز، به تاسی از نیما یوشیج، شاعر بزرگ معاصر، به تجریدهایی دست زد. از شهریار بوبیره منظمه «حیدر بابا»، به زبان آذری، «هرتی بسرا یافت و آوازه آن از مردم زده، کشور به آن سورفت. نام محمد حسین شهریار در عرصه ادبیات ایران ماندگار است. یادش را گرامی داریم.



حجت الاسلام محسن قرائتی، مسئول نهضت سواد آموزی، در جمع معلمین مدارس رشت در مهدیه، این شهر سخنرانی کرد. با گوشه‌های از سخنرانی او آشنا می‌شوید:

* نظام آموزشی در جمهوری اسلامی
— ما می‌دیدیم که دانش آموزان هر چه با سوادتر می‌شوند، بی تربیت‌تر و بی ادب‌تر می‌شوند. به این خاطر امور تربیتی را در مدارس گذاشتیم تا دانش آموزان را ادب و تربیت کنند...
— من به نظام آموزشی مان انتقاد دارم، کتابهای ما همه چزندیات است، فلسفه‌ما چرند است، منافق ما چرند است، تعلیمات دینی ما چرند است... من این انتقادات را به امام کفته‌ام و عده‌ای مأمور بررسی این مسئله شده‌اند.

* ریاض اسلام بسند
— برادرهای معلم در حضور دانش آموزان در مدرسه نماز بخوانید. نگاه نکنید به اینکه بعضی‌ها ایراد می‌کنند به این مسئله که این کار ریا است، آقایان ریا برای اسلام و قرآن لازم است. معلمی که تلاهر به نداند نماز در جلو دانش آموزان می‌کند، این ریا مورد قبول اسلام و قرآن است، چون دانش آموزان را بسوی اسلام و قرآن سوچ می‌دهد.

می‌شوند و فعالیت آنها با زندگی انباشته می‌شود. این را باید دید و تحکیم کرد. چون اگر حزب را تحکیم نکنیم و آنرا تضعیف نماییم، از دکتر گونسازی جیزی بپرون خواهد آمد.

ما باید اصلاحات اقتصادی را گسترش دهیم، به سیستم سیاسی شکل دیگری پدھیم، مشی تحکیم جامعه را با پشتکار و بطور همه چانبه ادامه دهیم. کسی که برای کشور خویش دلسوزی می‌کند همیشه شیوه‌های برانگیختن اراده و بالا بردن روحیه خلق و الهام پخشیدن به او در مبارزه برای پیروزی دکتر گونسازی را خواهد یافت.

گزارش کوتاهی از احوالی آثار کلاسیک توسط ارکستر سمفونیک تهران

در تیر ماه سال جاری (۱۴-۱۲) شاهد اجراء، آثاری از موسیقیدانهای کلاسیک (بنتوون، موتسارت، سستانا و خاچاطوریان)، در تالار رودکی بودیم. علیرغم تبلیغات و تلاش‌های رژیم برای، قذومن نوازی موسیقی از زندگی هم میهنان و جایگزین سازی «سرودهای انقلابی» بعنوان موسیقی پیرتر، استقبال بی‌سابقه‌ای از برنامه‌های اجراء شده بعمل آمد. صفاتی طوبی علاقمندان که اکثر اجوان پودند، و ایستادن گاه بیش از ۷ ساعت در صفا انتقالی برای تهیه «بلیط شاهد کویای، این واقعیت است. با آنکه رسانه‌های گروهی رژیم دریاره «مخالفت اسلام با اختلطازن و مرد» تبلیغ می‌کنند و آواز خوانی خواهران و پرادران را ایام کردن خون شهیدان» (بوبیره رسالتی‌ها مبلغ این نظر هستند) می‌دانند، ناگزیرند باخاطر فشار بوبیره جوانان و روشنگران چنین برنامه‌هایی را سازمان دهند. البته برای خالی نبودن عرضه و قالب کردن موسیقی رژیم پسند، در کنار جذب اجرای موسیقی کلاسیک، «بیام پایداره، سرودی در وصف مقاومت زمینه‌گان» را نیز به خود حضار می‌دهند.

دوستداران موسیقی با نحوه «تشویق آهتناسازان در واقعه نشان دادند که کدام موسیقی را می‌گذارند. نسبت به آهنگ «ایران» ساخته ارسلان کامکار و «بیام پایداره، ساخته» علی رحیمیان دو برخورد کامل متفاوت بچشم می‌خورد. حضار با تقدیم دسته‌های کل به ارسلان کامکار و کف زده‌های متند و شور انتیز برای، او از یک سو، و گفت سوی دیگر چلوه‌ای، از عشق خود به موسیقی پیشرو و ناشنودی خود از موسیقی «مکتبی» را بنمایش کلارند. وقتی «ایران»، ساخته کامکار، اجراء می‌گردد، در چهاره «حاضران می‌شد شور و غوغای درونی شان را دید. «ایران» بایش درآمد. بسیار زیبا و محتوا بی‌سنکن و وصف توأم‌داده‌ای از تن به بندگی نشاندگان ایرانیان و زیبایی ایران، شنونده را بخت به وجود می‌آورد.

شایان بیان است که هن تمام اجرای آهنت «ایران»، دو تن از اعضای ارکستر کراوات زده بودند و در میان نوازندگان و خوانندگان (کروه کر) زنان حضور بیشتری داشتند. چهارم، پرخورد مردم نسبت به کار و زندگی و جامعه باید عوض شود، و این هنگامی عملی است که آنرا واقعا در روند دکتر گونسازی شرکت دهیم. پنجم، همانطور که در آغاز روند دکتر گونسازی شیوه ما بود، اکنون نیز موضوع بالا بودن مسئولیت و انتظام و نظم را باید در درجه اول اهمیت قرار دهیم. رفقا، ما و شما این را فراموش کردیم. و بدون این دکتر گونسازی نیتواند تحقق پذیرد. نظام و مسئولیت و ابتکار مانند هوا برای ما لازم است. فقط حزب می‌تواند حامل مه اینها باشد. سازمانهای حزبی هم دارند دکرگون

رفیق گارباچف: زمان *

می‌گویند: مگر ما نکفیم که دکتر گونسازی من درآورده است که هیچ شری خواهد داشت، ما مدتها پیش اینها را گفتیم! این «برادر خوانده‌ها» که از راست و چپ حمله می‌کنند با هم متحده شده‌اند، در جامعه اقتشاش فکری ایجاد می‌کنند، هم «چپ‌ها» و هم «راست‌ها» به گرگونسازی حمله می‌کنند. همیشه چنین پوده و اینک هم تجربه دکتر گونسازی پر آن مهر تایید می‌زند.

دکتر گونسازی خلق و جامعه در واقعه تازه آغاز می‌شود و همه باید خود را به کاری پیشند و آنرا بکشند، آنرا با تمام نیرو پکشند. آنکه دکتر گونسازی می‌تواند پیروز گردد. البته همه اینها به همیج وجه آسان نیست.

هنگامیکه کسانی می‌توینند که همیاری از رختکنان از دکتر گونسازی نامید شده‌اند و به آن هاور ندارند، ادعاهای غیر مسئولانه‌ای را عنوان می‌کنند.

رفقا، من می‌خواهم نقش مطبوعات رشد کند. پبدون مطبوعات ما به کامیابی دست پیدا نمی‌کنیم. نمی‌توانیم از عهده روند دکتر گونسازی پرآثیم، نو پودن مسائل را که در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژی و چوقدار، در مجموع درک نخواهیم کرد. اما یک گفتگوی جدی، مستوانه، رک و شرافتندانه لازم است.

بدانگونه که در کراسنوبیارسک بود، پیش از گمپودها ریشه‌های خود و تاریخچه خود را دارد. هنوز باید کوشش زیادی پکار پیشندیم تا درختان کهن را در خاک پلرزا درآوریم و ریشه کن سازیم و پیچایش درختان تازه پکاریم و میوه چینی کنیم. اینها چیزهاییست چدی، نه بازی. پکذار کاری را که آغاز کرده ایم خوب انجام دهیم. وظیفه حزب و مطبوعات در ارتباط‌ها اینها چیست؟

نخست، لازم است سیاست دکتر گونسازی از نظر سازمانی و ایدئولوژیکی تعیین کردد و به هر گونه کوشش ہرای بی اعتبار کردن آن قاطع‌اند بیان داده شود.

دوم، در این دوران پر مسئولیت که نقطه عطفی در سرنوشت کشور است باید با استواری در مواضع واقع پیوندی، شناختن زندگی و رابطه اندیشیده شده با ارزیابیها پایستیم و گر نه خیلی زود میتوان به داوریهای سپکرانه و حتی به گفتن سخنان بیهوده رسید.

سوم، باید کاری کرد که مردم منتظر معجزه باشند. شعر اجتماعی باید از چنین عقده‌های زیانپاری که باور به «شاه خوب»، مرکز قدر قدرت، پاوار به اینکه کسی از بالانام را برقرار خواهد کرد و دکتر گونسازی را سازمان خواهد داد، رها شود. این پدرترین نوع طفیلی‌گری اجتماعی است. کسان بسیاری هستند که دیگر عادت به کار مستقل ندارند و نمیتوانند انطرور که باید و شاید کار کنند. این یک واقعیت است. و ما باید صادقانه در این باره صحبت کنیم.

به خون خفتگان

رئیم چنایت پیشنهاد ا. در ماههای اخیر گروهی از فرزندان اسیر خلق، از چمله رفقا اپردنی و محمد حسین رضائی از سازمان کارگران انقلابی ایران ("راه کارگر")، رفقا محمود محمودی (پاپک) و مرتضی کرمی (ایوب) از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) را در پراپر چوخه‌های تیرپاران قرار داده و یا زیر شکنجه کشته است.

"کار"، آرگان کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، همچنین در شماره ۱-۲ دوره دوم خود می‌نویسد که رفقا اذر محمودی و مصطفی زارغمد در کردستان دستکیر و تیرپاران شده‌اند. در هفته‌های اخیر گروههایی از مجاهدین خلق نیز اعدام شده‌اند. علاوه بر اینها، هم‌اکنون چنان‌دها نفر از زندانیان سیاسی ایران، با واپتکی‌های سازمانی گوناگون، در خطر است. چنایت‌های رئیم ا. را محاکوم می‌کنیم و از همه مبارزان انقلابی می‌طلبیم که هرچه گسترده‌تر در کارزار نجات زندانیان سیاسی شرکت کنند. مبارزه هرچه متحضر باشد محکومان به اعدام یک گام از چوخه‌های مرگ دورتر و کلیه زندانیان سیاسی یک گام به آزادی نزدیک‌تر خواهد شد.

مگر اصلاحات سیاسی را تمام کرده‌ایم؟ مادر کنفرانس حزبی فقط موضوعات سیاسی را فرمولیندی کردیم. حال باید همه این چیزها را در نظر بگیریم و در عمل تحقیق پختیم.

ما باید قانون انتخابات تازه، متمم قانون اساسی و پسیار و پسیاری از چیزهای دیگر را تدوین کنیم.

ما دشواریها و مسائل خود را کشف کردیم و تصمیم گرفتیم وضع بیداشده را سخت دیگر کون کنیم. پکنار دیگر گونسازی را به پیش ببریم. راه دیگری نداریم. تنها از این راه میتوانیم مسائل انبساطه شده را حل کنیم. این عده ترین چیزهاست. و نباید کنایه‌گذشت را به پای دیگر گونسازی نوشت.

مطلوبات باید بطور قاطع خود را از شیوه‌های نادرست جموعه سازی از رویدادهای "هراس انتیک" برخانند. مخالفه کار و هوادار ترقی که دارد خود را با شرایط چدید سازگار می‌سازد چقدر منتظر این خبرها هستند! هم این یکی و هم آن دیگری خبیثانه اظهار خوشحالی می‌کنند و بقیه در ص ۶.

کمکهای مالی رسیده:

کبارش

۲ مارک

دشواریهای معینی را در روند دیگر گونسازی وارد میکنند.

دوران گذار، که در آن همه شیوه‌ها و روش‌های کار-کهنه و نو در کنار هم وجود دارد درست همین دوران است. ما می‌بینیم در حال حاضر اگر در پرخورد به هرخی مسائل به شیوه کهنه، مانند گذشته، عمل نکنیم، آنها حل شدنی نیستند. چه باید کرد؟ زندگی واقعی چنین است.

در دیگر گونسازی ما، دشواریهای اندک نیست. موزائیک پفرنجی از رواییات، اغتشاشات فکری، تصورات باطل، ناشکنی‌ای ها و حساسیت‌ها وجود دارد. اما چیز دیگری است که اهمیت دارد. تو په چه سوی فرا میخواهی و پاچه مقصدی رویدادها را تجزیه و تحلیل می‌کنی: آیا پرای اینکه مشی متفرقی نوسازی چامعه را پرای گذار به کیفیت نوین تقویت کنی و یا می‌خواهی از ناکامیها، دشواریها، مسائل و پفرنجیها سو استفاده کنی تا کار دیگر گونسازی را لجن مال و بی اعتبار سازی؟ اگر از دیدگاه را تجزیه و تحلیل چدی سیاسی به مسئله پرخورد کنیم، محتوای موضوع چنین نیست.

رفقا، اینکه زمان آن فرا رسیده است که هم نهادهای حزبی، هم کادرهای رهبری، از چمله رسانه‌های گروهی موضع روشی اتخاذ کنند.

دیگر گونسازی روندیست زنده و آنرا انسانهای ونده سامان می‌بخشند، و نه آدمکهای (رپوت) پژوهانه ریزی شده. دیگر گونسازی یک روند فرینندگی است، دیاللتیک خود، تضادهای خود و ماجراهای غم انگیز خود را دارد. چرا آشکارا نگوییم که هم در مطبوعات و هم در چامعه پعنوان یک مجموعه، در تجزیه و تحلیل و ارزیابی رویدادها سردرگمی وجود دارد. از هرخی اظهارات و نوشته‌ها چنین پرمی‌آید که دیگر گونسازی چه پسا مایه پدتر کردن و پیش در اقتصاد شده، اوضاع مالی را پر هم زده، رساندن مواد غذایی را خراب کرده، مسئله مسکن و دیگر مسائل اجتماعی را حادتر ساخته است. درباره این مسئله چه میتوان گفت؟

نخست، چرا باید موضوعاتی را که پا دوره گذشته پیویند دارد، یا دیگر گونسازی نوشت؟ درست بار سنگین مسائل گذشته بود که ضرورت دیگر گونسازی را پیچید آورد.

دوم، لحن پر هیجان و انتقادی مربوط به دورانی که کشور در آستانه بحران قرار گرفته بود، چه پس از کندهای مکانیکی به امروز منتقل می‌شود. اما رفقا، مگر ما دیگر اصلاحات اقتصادی را تمام کرده‌ایم؟ ماتاشه آنرا آغاز کرده‌ایم و دامنه آن را گسترش می‌بخشیم.

رفیق گار با چف: زمان . . .

علیرغم هرخی ادعاهای استراتژی مستدل و مشخص شده آنرا نیز در مهمنتین راستاهای توسعه اجتماعی در اختیار داریم. اکنون دشوارترین دوره آغاز می‌شود: رفقا، تدوین پرداشت دیگر گونسازی آسان نبود، اما مکرر چز این است که تبلور آن در کارهای مشخص آسانتر نیست.

تحقیق پخشیدن به آنچه در نظر داریم مستلزم سازماندهی توده‌های هزرگ مردم با دیگر گونسازی اندیشه‌ها، هم در حزب، هم در میان خلق، هم در همه گروههای کار و هم در هر انسان است. این روندی است عظیم، غول آسا، دشوار و پردازند.

ما هنوز پ موقع نمی‌چنیم، وقت تلف می‌کنیم و در نتیجه می‌بازم. در یک کلام، مدد ها و شعارهای در پیش رو گذاشته شده با کار عملی ما هم خوان نیست.

ما اینکه باید به پیش برویم، عمل کنیم و اگر در این راه خطای از ما سر بر زند، زندگی کار ما را پرمایه و تصحیح خواهد کرد. دلیلی ندارد که پترسیم و وضع را در ادرا ماتیزه پکنیم.

مرحله کنونی دیگر گونسازی خواهان آنست که شیوه‌ها و روش‌های کار را تغییر دهیم. باید انسانهای تازه‌ای پیدا شوند. باید این انسانها را پیشینیم، ملاحظه کنیم و تقویت نشانیم. برخی هادر پرخورد با واقعیات و دشواریهای این روند انقلابی هراس زده شدند. رفقا، واقعاً لختی چامعه که طی ده ها سال انبساطه شده عظیم است. برای اینکه کشور را از این حالت بیرون پکشیم تلاش‌های غول آسائی ضروری است.

اینکه دیگر گونسازی ریشه‌های عمیقی در چامعه دو اند و چامعه آنرا پذیرفته است. پس ماداریم بر لختی چیره می‌شویم. مردم نیروی خود را پکار می‌اندازند، دست به عمل می‌زنند، موضع یک شهر و ند را اتخاذ می‌کنند، توقع نسبت به خود و اطرافیان را بالا می‌برند. دشوارترین چیز اینست که چامعه به حرکت درآید و به پیش برود. اما اینکار دیگر انجام گرفته است اگر چه هنوز هم لختی وجود دارد. این، با تبدیل تجریه برا کار کردن به شیوه نوین در هم می‌آمیزد و از این اقتصادی و هم مدیریت باز هم کار کنیم.

رفقا، اینها در مجموع روندهای نوینی است. همه این روندها را تا به آخر در ک نگرده‌اند. کهنه و نو همه چیز با هم. از چمله در دیگر گونسازی وجود دارد. این از جانب خود

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است!

NAMAH MARDOM

Addresses: 1. P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden

2. Dr. W. SILBERMAYR, PF. 398, A-1141 WIEN, ÖSTERREICH

NO:227

4 October 1988

نشانی‌های ۱.
پستی ۴.

نامه مهرزم